



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

نمونه سوال  گام به گام

امتحان نهایی  جزوه

دانلود آزمون های آزمایشی 

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ) (الأنعام / ۱)

ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد .

أُنْجُمٌ : ستارگان « مفرد : نجم »	ذا: این ← هذا	قُلْ : بگو
أَنْزَلَ : نازل کرد	ذات: دارای	مُسْتَعْرَةً : فروزان
أَنْعَمَ : نعمت‌ها	ذاک : آن	مُنْهَمَرَةً : ریزان
أَوْجَدَ : پدید آورد	زان: زینت داد	نَضْرَةً : تر و تازه
بَالِغٌ : کامل	شَرَرَةً : اخگر (پاره آتش)	نَمَتْ : رشد کرد «مؤنث نما»
جَذْوَةً : پاره آتش	ضیاء : روشنایی	نَفْسٍ -- جمع -- «أنفاس
دُرَرٌ : مرواریدها (مفرد: دُرّ)	غُصُونٌ : شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)	نَفْسٍ -- جمع -- «أنفس
مَنْ ذَا : این کیست	غَمٍّ : ابر (مترادف : سحاب)	يُخْرِجُ : در می آورد

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

او یقیناً (همان) خداوند است ...

انْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضْرَةِ^۱

به آن درخت نگاه کن که دارای شاخه‌های تر و تازه است

كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَكَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

چگونه از دانه ای رشد کرد و چگونه درختی شد ؟

فَابْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ

پس [خالقش] را بجو و بگو چه کسی از آن میوه در می آورد (پدید می آورد) ؟

وَأَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعْرَةً

و به خورشیدی که پاره‌ی آتش آن فروزان است نگاه کن .

^۱ - شاعر این شعر معروف الرّصافی شاعری اهل عراق از پدری کرد نسب و مادری ترکمن است، او آثار زیادی در نثر و شعر دارد.

فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ

[خورشیدی که] روشنایی در آن است و به وسیله‌ی آن حرارتی پراکنده می‌شود.

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

چه کسی آن را در فضا مانند اخگر (پاره آتش) به وجود آورده است؟

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمُ بِهِ مِنْهُمْ

او همان خداوندی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَةِ وَقُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ

(خداوندی که) صاحب حکمتی کامل و نیروی توانمند است.

أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

به شب نگاه کن پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورده است؟

وَزَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ

و آن (شب) را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد؟

وَانْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن بارانش را نازل کرد؟

در گروه های دو نفره، شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید .

حوارات* (التَّعَارُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

گفت و گوها (آشنایی در فرودگاه نجف اشرف)

زائرُ مَرَقَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ
زیارت کننده‌ی آرامگاه امیر مؤمنان علی – که درود بر او باد –	یکی از کارمندان در سالن فرودگاه
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
سلام بر شما	و سلام و رحمت خداوند و برکاتش بر شما [باد].
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.	صَبَاحَ النَّورِ وَالسُّرُورِ.
صبح شما به خیر ای برادرم .	صبح شما نورانی و [همراه] با شادمانی باد .
كَيْفَ حَالُكَ؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ؟
حالت چطوریه ؟	من خوبم ، و تو چطوری ؟
بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ.	عَفْوًا ، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
من خوبم و سپاس از آن خداست .	بیخشید ، از کجایی (اهل کجایی) ؟
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
من از جمهوری اسلامی ایران هستم .	اسم شریفت چیست ؟
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَمَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.
اسم من حسین است و اسم شریف تو چیست ؟	اسم عبد الرحمان (بنده‌ی خداوند بخشنده) است .
هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟	لَا؛ مَعَ الْأَسَفِ. لَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.
آیا تاکنون به ایران مسافرت کرده‌ای ؟	نه ؛ متأسفانه . ولی من دوست دارم مسافرت کنم .
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانٍ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ ؛ إِلَى اللَّقَاءِ ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.
اگر خداوند بخواهد به ایران مسافرت می کنی !	اگر خداوند بخواهد ؛ به امید دیدار ؛ به سلامت .
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَحِفْظِهِ ، يَا حَبِيبِي.
در امان خداوند	در امان و پاسداشت خداوند ، ای دوست من .

صِيغُ الْأَفْعَالِ

بدانید (صیغه‌های فعل‌ها)

با نام گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نام صیغه به فارسی و عربی		ضمیر		ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	متکلم وحده	من	أنا	فَعَلْتُ	أَفْعُلُ		
دوم شخص مفرد	مفرد مذکر مخاطب	تو	أَنْتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	إِفْعَلْ	لَا تَفْعَلْ
	مفرد مؤنث مخاطب		أَنْتِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لَا تَفْعَلِي
سوم شخص مفرد	مفرد مذکر غایب	او	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلُ		
	مفرد مؤنث غایب		هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ		
اول شخص جمع	متکلم مع الغير	ما	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ		
دوم شخص جمع	جمع مذکر مخاطب	شما	أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لَا تَفْعَلُوا
	جمع مؤنث مخاطب		أَنْتُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلْنَ
	مثنای مذکر مخاطب		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لَا تَفْعَلَا
	مثنای مؤنث مخاطب		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لَا تَفْعَلَا
سوم شخص جمع	جمع مذکر غایب	ایشان	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ		
	جمع مؤنث غایب		هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ		
	مثنای مذکر غایب		هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ		
	مثنای مؤنث غایب		هُمَا	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ		

التمرین (التمرین الأول : ترجم هذه الجملة ، واكتب نوع الأفعال .

۱ - اكتب رسالتك : نامهات را بنویس .

نوع فعل : امر

۲ - لا تكتب على الجدار : بر روی دیوار ننویس .

نوع فعل : نهی

۳ - اكتبوا واجباتكم : تکالیفتان را بنویسید .

نوع فعل : امر

۴ - هن لا يكتبن بسرعة : آن‌ها به سرعت نمی نویسند .

نوع فعل : مضارع منفی

۵ - سأكتب درسی : درس را خواهم نوشت .

نوع فعل : مستقبل

۶ - إننا سوف نكتب أبحاثاً : یقیناً ما پژوهش‌هایی را خواهیم نوشت .

نوع فعل : مستقبل

۷ - ما كتبتم تمارينكم : تمرین‌هایتان را ننوشتید .

نوع فعل : ماضی منفی

۸ - كانوا يكتبون بدقة : با دقت می نوشتند .

نوع فعل : ماضی استمراری

الْتَّمَرِینُ الثَّانِی: ضَعْ فِی الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. « کَلِمَةُ وَاحِدَةٍ زَائِدَةٌ ».
 تمرین دوم: در دایره عدد مناسب را قرار بده. « یک کلمه اضافیست ».

- ۱ - الشَّرَرَةُ ○ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
 أخگر (پاره‌ی آتش) از سنگ‌های زیبای گرانبیست دارای رنگ سفید
- ۲ - الشَّمْسُ ○ جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً ، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
 خورشید پاره‌ی آتش آن فروزان است ، روشنائی در آن است و به وسیله‌ی آن حرارتی پراکنده می‌شود.
- ۳ - الْقَمَرُ ○ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
 ماه ستاره‌ای است که پیرامون زمین می‌چرخد ؛ روشنائی‌اش از خورشید است.
- ۴ - الْأَنْعُمُ ○ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
 نعمت‌ها بخاری متراکم در آسمان است که باران از آن می‌بارد (نازل می‌شود).
- ۵ - الْعِیمُ ○ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
 ابر از لباس‌های زنانه است دارای رنگ‌های مختلف.
- ۶ - الْفُسْتَانُ ○ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
 جامه و روپوش زنانه تکه‌ای از آتش
- ۷ - الدَّرَرُ
 مرواریدها

الْتَّمَرِینُ الثَّلَاثُ: ضَعْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبَ فِی مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.
 تمرین سوم: این جملات و ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده.

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتُ / هَذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ الْبَطَارِيَّةُ / أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ أَصْدِقَاءُ / هَاتَانِ الزُّجَاجَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تِلْكَ الْبَطَارِيَّةُ	هَذَانِ الدَّلِيلَانِ	هَاتَانِ الزُّجَاجَتَانِ	أُولَئِكَ الصَّالِحُونَ	هُؤْلَاءِ فَائِزَاتُ.	هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ
آن باطری	این دو دلیل	این دو شیشه	آن درستکاران	این‌ها پیروزند.	این دوستان

التمرینُ الرابع: اُکْتُبْ وَزْنَ الْکَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَحُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.
تمرین چهارم : وزن کلمات زیر و حروف اصلی آنها را بنویس .

۱- ناصِر، مَنصُور، أنصار: فاعل ، مفعول ، أفعال ، « ن ص ر »

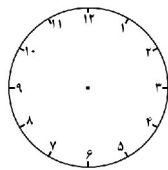
۲- صَبَّار، صَبُور، صابر: فَعَّال ، فَعُول ، فاعِل ، « ص ب ر »

التمرینُ الخامس: ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. = ≠
تمرین پنجم : مترادفها و متضادها را در جای خالی مناسب قرار بده .

ضیاء / نام / ناجح / مسرور / قریب / جمیل / نهاییه / یمین / غالیة / شراء / مسموح / مُجدّ
نور ، روشنائی / خوابید / پیروز / خوشحال / نزدیک / زیبا / پایان / راست / گران / خریدن / مجاز / تلاشگر

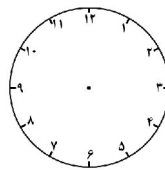
رَخِیصَة ≠ غَالِیَة	راسِب ≠ ناجِح	یَسار ≠ یَمین	حَزین ≠ مسرور
بِیع ≠ شِراء	بِدايَة ≠ نِهایَة	بَعید ≠ قَرِیب	مُجْتَهِد = مُجِدّ
رَقَدَ « بستی شد ، خوابید » = نام	قَبیح ≠ جَمیل	نور = ضیاء	مَمْنوع ≠ مَسْموح

التمرینُ السادس: ارْسُمِ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.
تمرین ششم : عقربه های ساعت ها را رسم کن .



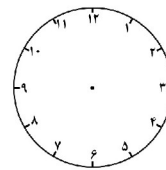
التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعاً

یک ربع به نه



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ

هشت و نیم



الخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

پنج و ربع